

بررسی انواع اقتباس‌های قرآنی در دیوان اشعار حافظ و ابوالعتهیه

مرتضی حیدری*

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۲۹

چکیده

دریافتن ژرفنای سروده‌های بسیاری از شاعران بزرگ جهان اسلام، بدون شناختن مایه‌های قرآنی شعر آنان ممکن نیست. در پژوهش حاضر نگارنده به تبیین، تحلیل و تطبیق جلوه‌های تأثیرپذیری سروده‌های حافظ و ابوالعتهیه از آیات و مضامین قرآنی پرداخته، و گونه‌های آن را در دیوان هر دو شاعر باز نموده است. تأثر قرآنی این دو شاعر در حوزه اقتباس‌های مستقیم و اقتباس‌های غیرمستقیم جای می‌گیرد که هر کدام، خود دارای گونه‌هایی است. نگارنده دریافته که در شعر ابوالعتهیه در مقایسه با حافظ از بساختن و درج مضامینی مشابه تعبیرات قرآنی نشانی نیست، زیرا حافظ اکسیر کلام خداوند را بر مضامین عاشقانه، سیاسی و اجتماعی سروده‌های خود زده و با مضمون‌آفرینی، فرهنگ زبانی و اندیشگانی خود را چندصدایی کرده است، حال آنکه اقتباس‌های قرآنی اشعار ابوالعتهیه جنبه‌ای اخلاقی و زاهدانه دارد و تک‌بعدی است.

کلیدواژگان: قرآن، اقتباس از قرآن، مضامین قرآنی، ادبیات تطبیقی، حافظ، ابوالعتهیه.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (استادیار).

مقدمه

قرآن کریم از آغاز نزولش تا به امروز به دلیل مضامین والایش و نیز به خاطر زیبایی لفظی و معنوی‌اش شاعران بسیاری را مجذوب خود کرده است. این کتاب آسمانی در کنار ابعاد مذهبی، ویژگی‌های شگرف دیگری را نیز داراست که پیوسته آن را برای شعرا و ادبا به شکل منبع بی‌پایان نیروی بیان و آبشخور دل‌انگیز اخذ، اقتباس و الهام در آورده است (نک. شاملی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۴۴). بهره‌گیری از قرآن و حدیث در شعر، افزون بر اینکه نشانه دانشمندی و علم‌اندوزی و روشنفکری بود و این خود گون‌های افتخار برای گوینده شمرده می‌شد، به دلیل قداست و حرمت مذهبی و معنوی قرآن و حدیث، به سروده شاعر نیز گونه‌ای قداست و حرمت می‌بخشید و سخن آنان را برای مردمی که به قرآن و حدیث به دیده حرمت می‌نگریستند، ارجمندتر و پذیرفته‌تر می‌ساخت (راستگو، ۱۳۷۶: ۴).

بیان مسأله

برخی از شاعران مسلمان سعی در استفاده بیش از حد از قرآن و اسالیب و مضامین آن دارند تا خوانندگان را بیش از پیش مسحور اشعار خود کنند. از جمله این شاعران حافظ، شاعر طراز اول فارسی، و *أبوالعتاهیه*، شاعر مشهور عباسی است. این دو شاعر به خاطر تأثیرپذیری فراوان از مضامین و معانی قرآن کریم جایگاه کم‌نظیری در ادب فارسی و عربی پیدا کرده‌اند. اشعار هر دو شاعر به خاطر الفت بسیار با قرآن کریم، از شیوایی، سادگی و جذابیت خاصی برخوردار گشته است.

نوع و روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های نظری است و به روش تحلیل محتوای تطبیقی سامان پذیرفته؛ نگارنده پس از استقراء و استخراج اشعار *حافظ* و *أبوالعتاهیه* و تحلیل محتوایی آن‌ها، به تبیین فرآیند تأثیرپذیری این دو شاعر و سرانجام، تطبیق آن‌ها در نتیجه‌گیری می‌پردازد. ابیات گزارش شده از دیوان هر دو شاعر بر پایه روش نمونه‌گیری شاخص (Indicator Sampling) برگزیده شده‌اند؛ یعنی ابیاتی که شناساگر انواع تازه‌ای از

اقتباس نبوده‌اند و تنها نقشی کمیت‌زا و بدون نتیجه داشته‌اند، از این پژوهش کنار گذاشته شده‌اند.

پیشینه تحقیق

در مورد حافظ و ابوالعتاهیه تا کنون پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ از قبیل مقاله «اثر پذیری پنهان حافظ از قرآن کریم در غزل پنجم دیوان او» از علی نظری، علی فتح‌اللهی، پروانه رضایی (۱۳۸۹)؛ مقاله «القیّم الإنسانیة والاجتماعیة فی الأدب العباسی» از اسماعیل نادری (۱۳۸۸)؛ «مضامین زهدآمیز در اشعار خاقانی و ابوالعتاهیه» از مریم محمودی و شیما فرجی‌فر (۱۳۹۳)؛ «تأثیر کلام امام علی در اشعار ابوالعتاهیه» از وحید سبزیان‌پور (۱۳۸۸)؛ «تجلی مضامین قرآن کریم در شعر ابوالعتاهیه» از جهانگیر امیری (۱۳۸۵)؛ «آرایه‌های قرآنی در شعر ابوالعتاهیه» از جهانگیر امیری و شهریار همّتی (۱۳۹۰). دو پژوهش اخیر، چنانکه از عناوین آن‌ها برمی‌آید، یکی به بررسی مضامین مشترک میان قرآن کریم و اشعار ابوالعتاهیه پرداخته و دیگری نقد بلاغی اشعار ابوالعتاهیه را در ارتباط با قرآن و وجهه همّت خود قرار داده است و نگارنده در پژوهش حاضر از این دو پژوهش یادشده در جست‌وجوی روابط بینامتنی قرآن و اشعار ابوالعتاهیه، با رویکردی تحقیقی، سود برده، اما به آن‌ها بسنده نکرده است. نگارنده، مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های تأثیرپذیری از قرآن در شعر حافظ و ابوالعتاهیه» را با همکاری صدیقه اسدی مجرّه در دومین کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی (۱۳۹۴) ارائه کرده که نمونه‌گیری محدودتر مقاله اشاره شده و عدم رجوع نویسندگان به نسخه‌ها و چاپ‌های متفاوت دیوان حافظ و ابوالعتاهیه، نتیجه‌گیری‌ای شتابزده و فاقد دقت علمی را به دنبال داشته؛ از همین روی این پژوهش کوششی نوین با نتیجه‌گیری‌ای دارای دقت علمی از نگارنده به شمار می‌رود.

تا کنون پژوهش تطبیقی دقیقی پیرامون شگردهای تأثیرپذیری از قرآن در شعر حافظ و ابوالعتاهیه انجام نپذیرفته؛ از همین روی، این پژوهش، پژوهشی نو به شمار می‌آید.

پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

آیا اقتباس‌های قرآنی حافظ و ابوالعتاهیه یکسان بوده است؟
- به نظر می‌رسد تفاوت‌هایی میان اقتباس‌های قرآنی حافظ و ابوالعتاهیه وجود داشته باشد.

این تفاوت‌ها را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟
- شاید سطح هنری و توسعه اندیشگانی متمایز این دو شاعر، عامل اصلی این تفاوت‌ها باشد.

زندگینامه و شعر حافظ و ابوالعتاهیه

۱. حافظ

شمس‌الدین محمد شیرازی متخلص به حافظ و ملقب به لسان‌الغیب از شاعران نامدار فارسی‌زبان است. تاریخ تولد او را بعضی سال ۷۹۲ ق و برخی ۷۲۰-۷۳۰ پیش‌بینی کرده‌اند (صوفی، ۱۳۸۱: ۱۴۵). دیوان حافظ دیوانی عرفانی است که محتوایی اخلاقی، اجتماعی و سیاسی دارد که این مضامین را با بیانی عرفانی و روحیه‌ای معنوی در اشعارش گنجانده است. او در علم قرآن بی‌نظیر و در علوم ظاهر و باطن مشارک‌الیه بود (دولتشاه، ۱۳۱۸: ۳۱۰). در مورد بلاغت کلام حافظ گفته‌اند: «بلاغت او از جهت تعادل و ایجاز یادآور بلاغت قرآن است، به ویژه آشنایی او با کشف هم می‌بایست تأثیر بلاغت آن را در وی به مرحله خودآگاهی کشانده باشد» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۵۹).

۲. ابوالعتاهیه

ابوالعتاهیه در حدود سال ۱۳۰ ق در کوفه و بنا بر قولی در عین‌التمر، نزدیک انبار، متولد شد و به سال ۲۱۳ ق در بغداد درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد (فروخ، ۲۰۰۶: ۱۹۲). به گفته ابوالفرج اصفهانی وی به مذهب زیدیه گرایش داشت و امیرالمؤمنین علی (ع) را بعد از رسول خدا (ص) افضل خلق می‌دانست (همان: ۸). در بعضی از کتب شیعه از جمله «روضات الجنّات» احتمال شیعه بودن او داده شده است (علیان، ۱۹۹۱: ۳۷). برخی او را متهم به زندقه کرده‌اند. مصطفی هدّاره چنین

می‌گوید: «ما از صمیم دل بر این باوریم که *ابوالعتاهیه* زندیق و کافر نبوده است، بلکه او صاحب ایمانی استوار بوده که در آن هیچ شکی نمی‌توان روا داشت» (همان: ۲۶۹). عموم صاحب‌نظران *ابوالعتاهیه* را شاعری نوگرا دانسته‌اند (زیدان، ۱۹۸۳م، ج ۱: ۳۷۳). هنر او، تلطیف موضوعات خشک و بی‌روح، چون زهدیات است (فاخوری، ۱۳۶۸: ۳۱۸). او تواناترین افراد در انتخاب واژه‌های شیرین و استوار است؛ آنقدر در سرودن شعر استاد بود که می‌توانست با همه مردم، به زبان شعر سخن گوید (همان: ۳۱۷). شعر *ابوالعتاهیه* در دوره‌های مختلف زندگی با مضامین گوناگون نمایان شده است. در دوره‌های آغازین شعر او شامل غزل، مدح، رثاء، هجاء، عتاب و استعطاف و ... است. *ابوالعتاهیه* زندگی عاطفی خود را با عشق سعدی و غزل‌هایی که درباره او سروده است، آغاز کرد که چیزی از آن به دست ما نرسیده و شاید *ابوالعتاهیه* خود آن‌ها را نابود کرده است (مسعودی، ۱۹۷۳م، ج ۴: ۳۸).

«*ابوالعتاهیه* با آنکه مذهب شیعه داشت، بنی‌عبّاس را مدح می‌گفت، ولی بعدها کوشید تا شعر خود را از کشمکش‌های سیاسی که میان عباسیان بود دور نگه دارد، اما این بی‌طرفی هرگز به خیانت نکشید و برای تمتع از عطایای بنی‌عبّاس به مذمت آل علی زبان نگشود» (فاخوری، ۱۳۶۸: ۳۱۹). شعر *ابوالعتاهیه* همانند آب روان در روان بودن الفاظ و لطافت سبک است و از سخن رکیک و سست تهی است (ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۱: ۲۵۰).

تأثیر قرآن بر شعر حافظ و ابوالعتاهیه

تأثیرپذیری حافظ از قرآن

دکتر محمد استعلامی راجع به *حافظ*، شاعر بزرگ ایرانی، می‌گوید: «*حافظ*، حافظ قرآن است؛ نه اینکه آیه‌ها را از بر بخواند؛ یک حافظ قرآن معنی هر آیه را هم می‌داند و از ربط هر آیه با آیه‌های دیگر هم آگاه است. می‌داند که در خواندن هر واژه و تعبیر، چه نظرهای متفاوتی بوده و هست» (استعلامی، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۷). دکتر مجتبیایی نیز پیرامون اثرپذیری *حافظ* از قرآن کریم اظهار می‌دارد: «... البته این سخن و نظرگاه کسی است که حافظ قرآن است و آن را با چهارده روایت از بر می‌خواند و هرچه دارد، همه از دولت

قرآن دارد و از گریه و دعای نیمه‌شبی. او کسی است که در سراسر دیوانش کم‌تر غزلی را می‌توان یافت که در آن به نوعی - به تصریح یا تلویح - اشارتی به قرآن کریم و یا اقتباسی از آن نیامده باشد» (مجتبایی، ۱۳۸۶: ۱۹).

حافظ همه وجود خود را از برکت قرآن می‌داند و می‌گوید:

صبح خیزی و سلامت‌طلبی چون حافظ

هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

(حافظ، ۱۳۷۷: ۴۳۱)

تأثیرپذیری حافظ از قرآن به شیوه‌های گوناگون بوده است؛ گاه اقتباس او از یک آیه قرآنی به صورت مستقیم و گاه به صورت غیرمستقیم نمود پیدا کرده است.

۱. اقتباس مستقیم

اقتباس‌های مستقیم حافظ از کلام خداوند در دو حوزه درج کامل یک آیه و درج مفردات و ترکیباتی از یک آیه روی داده است:

درج کامل یک آیه

گاه حافظ آیه قرآنی را به صورت کامل، یا با اندکی تصرف، در بیت خود گنجانده است:

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت

شیوه جنات تجری تحتها الأنهار داشت

(همان: ۱۰۸)

جمله «جنات تجری تحتها الأنهار»، اقتباسی از این آیه است:

﴿أَنْ لَّهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (البقرة / ۲۵)

«که برایشان بهشت‌هایی است که در آن نهرها جاری است»

همان‌طوری که ملاحظه می‌شود آیه بدون هیچ تغییری در کلمات ذکر شده است.

شب وصل است و طیّ شد نامه هجر سلامّ فیهِ حتّی مطلع الفجر

(همان: ۳۳۹)

مصرع دوم، اقتباسی از این آیه است:

﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ (القدر / ۵)

«(آن شب) تا دم صبح صلح و سلام است»

بیا ساقی بده رطل گرانم سقاک الله من کأسِ دهاق

(همان: ۶۲۶)

ترکیب «کأس دهاق» به معنای «پیمان‌هایی لبریز»، اقتباسی است از آیه ﴿وَكَأْسًا دِهَاقًا﴾ (النبا / ۳۴) است که عیناً، لفظ به لفظ، و به صورت کامل در بیت درج شده است.

درج مفردات و ترکیباتی از یک آیه

گاه نیز شاعر ترکیبی از یک آیه و یا مفرداتی از یک آیه را در اثنای ابیات خود گنجانده است:

تا نفختُ فیه من روحی شنیدم شد یقین

بر من این معنا که ما زان وی و او زان ماست

(حافظ، ۱۳۱۹: ۶۸)

ترکیب «نفخت فیه من روحی» قسمتی از این آیه کریمه است:

﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحٍ فَقَعُولَهُ سَاجِدِينَ﴾ (الحجر / ۲۸)

«پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به

سجده درافتید»

چنانکه دیده می‌شود، ترکیب قرآنی بدون کوچک‌ترین تغییر و تحوّل در خلال بیت آورده شده است.

مگر وقت وفا پروردن آمد که فالَم لا تَدْرُنِي فرداً آمد

(حافظ، ۱۳۸۱: ۷۴۳)

عبارت «لاتدرنی فرداً» به معنای «مرا تنها مگذار»، اقتباسی است از آیه:

﴿وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ (انبیاء / ۸۹)

لمع البرق من الطّور وأنستُ به فُلَعَلِّي لَكَ آتٍ بشهابٍ قبس

(حافظ، ۱۳۷۷: ۶۱۹)

«شهاب قیس» به معنای «پاره آتشی» اشاره دارد به آیه:

﴿إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا خُبْرًا وَاتَّيَكُمُ الشَّهَابُ قَيْسًا لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾ (النمل / ۷)

«موسی به خانواده خود گفت من از دور آتشی دیدم، زودا که از آن برایتان خبری بیاورم یا پاره آتشی شاید گرم شوید»
می‌خور به بانگ چنگ و مخور غصه ور کسی
گوید تو را که غصه مخور گو هو الغفور

(همان: ۳۴۳)

کلمه «الغفور» به معنای «بخشنده» در مصراع دوم اقتباسی است از آیه:

﴿تَتَّبِعْ عِبَادِي إِنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (الحجر / ۴۹)

«به بندگانم خبر ده که من آمرزنده و مهربانم»

۲. اقتباس غیرمستقیم

اقتباس غیرمستقیم حافظ از قرآن در سه دسته جای می‌گیرد: درج مفهوم یک آیه، درج مضمونی مشابه تعبیرات قرآنی و تلمیح به داستان‌های قرآنی.

درج مفهوم یک آیه

شاعر گاه مفهوم آیه‌ای را در ابیات خود می‌گنجاند:

نشاط و عیش جوانی چو گل غنیمت دان

که حافظا نبود بر رسول، غیر بلاغ

(همان: ۳۹۹)

مصراع دوم مضمون این آیه است:

﴿مَاعَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ (المائدة / ۹۹)

«پیامبر وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد و خداوند آنچه را آشکار و

آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند»

شعر حافظ آشکارا این آیه قرآنی را در ذهن خواننده تداعی می‌کند.

غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل

شاید که چو وایینی خیر تو در آن باشد

(همان: ۲۱۷)

این بیت مضمون این آیه قرآنی را به خاطر و یاد خواننده می‌آورد:

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (البقره / ۲۱۶)

«و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است»

خونم بخور که هیچ ملک با چنان جمال

از دل نیایدش که نویسد گناه تو

(همان: ۵۵۶)

درج مضمونی مشابه تعبیرات قرآنی

کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز

باشد که باز بینم دیدار آشنا را

(همان: ۷)

در بیت فوق «کشتی شکسته» با مضمون آیه زیر تناسب و هماهنگی دارد:

﴿فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكَبَا فِي الْشَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخْرَقْتَهَا لِتُغْرَقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا أَمْرًا﴾

(الکهف / ۷۱)

«پس برفتند و چون سوار کشتی شدند، خضر آن را سوراخ کرد، موسی

گفت آیا آن را سوراخ کردی تا مردمش را غرق کنی، به تحقیق که کار

ناشایستی کردی»

تلمیح به داستان‌های قرآنی

این همه شعبده خویش که می‌کرد اینجا

سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد

(همان: ۱۹۳)

این بیت، متذکر آیات ﴿فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ وَنَزَعُ يَدَهُ إِذِهَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلتَّائِبِينَ﴾ (الشُّعْرَاءُ/۳۲-۳۳) می‌باشد که داستان حضرت موسی و انداختن عصا و اژدها شدن آن و همچنین ید بیضی او را به خاطر می‌آورد. ترجمه: «عصایش را انداخت، به آشکارا اژدهایی شد و دستش را بیرون آورد، در نظر بینندگان سپید می‌نمود».

یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد

آن که یوسف به زر ناسره بفروخته بود

(همان: ۲۸۶)

مصراع دوم بیت، اشاره به داستان حضرت یوسف دارد و *حافظ* در آن به شخصیت‌های قرآنی پرداخته و با الهام از شخصیت‌های قرآنی، زیبایی بیتش را دو چندان ساخته است. بیت تداعی‌گر این آیه است:

﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ﴾ (یوسف/ ۲۰)

«(سرانجام) او را به بهای کمی، چند درهم، فروختند و نسبت به (فروختن)

او، بی‌رغبت بودند (چرا که می‌ترسیدند رازشان فاش شود)»

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت

(همان: ۱۲۵)

این بیت *حافظ* تداعی‌گر معنای آیه ﴿إِذْ هَبْ بَكْتَابِي هَذَا فَأَلْقَهُ إِلَيْهِمْ﴾ (النمل/ ۲۸) است. ترجمه: «این نامه مرا ببر و نزد آن‌ها بینداز». بیت تلمیح به داستان *سلیمان* و دادن نامه به هدهد، برای رساندن به بلقیس، ملکه سرزمین سبا، دارد.

تأثیرپذیری ابوالعتاهیه از قرآن

ابوالعتاهیه گاهی آیات را بدون هیچ دخل و تصرفی ذکر کرده، اما گاهی نیز آیات قرآنی را در آفرینش سیاقی نو و متفاوت با سیاق اولیه به کار برده و با این شیوه زیبایی و لطافتی خاص به اشعار خود بخشیده است، بدون اینکه به قداست مفردات و عبارات قرآنی خدشه‌ای وارد شود. *ابوالعتاهیه* به شدت تحت تأثیر قرآن و مضامین والای آن است. این تأثیرپذیری گاه به صورت اقتباس کامل از آیات قرآنی و گاه با اندکی تغییر و

گاه اقتباس از یک کلمه قرآنی و گاه به صورت غیرمستقیم و اقتباس از مضمون آیات است.

۱. اقتباس مستقیم

شعر *ابوالعتاهیه* در برداشت‌های مستقیم از آیات الهی، از دو حوزه درج یک آیه کامل (گاهی با اندکی تصرف) و درج مفردات و ترکیباتی از یک آیه بارور گردیده است.

درج یک آیه کامل

فَإِنْ نَحْنُ عُشْنَا يَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَنَا وَإِنْ نَحْنُ مِتْنَا فَالْقِيَامَةُ تَجْمَعُ

(*ابوالعتاهیه*، ۱۴۱۷: ۳۷۱)

- اگر ما زنده بمانیم، خدا ما را جمع می‌کند و اگر بمیریم، باز هم خدا ما را در قیامت گرد هم می‌آورد و جمع می‌کند

بیت *ابوالعتاهیه* تداعی گر بخشی از این آیه کریمه است:

﴿قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا مِثْلَ قِيَامَتِنَا بِالْحَقِّ﴾ (سبأ/ ۲۶)

«بگو پروردگار ما میان ما و شما را جمع نموده و سپس به حق بین ما

داوری می‌کند»

تموتُ فَرْدًا وَتَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

(همان: ۱۲۶)

- تنها می‌میری و در روز قیامت به تنهایی می‌آیی (محشور می‌شوی).

این بیت نیز یادآور این آیه است:

﴿وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا﴾ (مریم/ ۷۱)

«و همگی‌شان در روز قیامت تنها نزد او می‌آیند»

أَلَا أُنَمَّا الدُّنْيَا مَتَاعٌ غَرُورٌ وَدَارُ صُعودٍ مَرَّةً وَحُدُورٌ

(همان: ۱۵۷)

- آگاه باش که این دنیا کالای فریب است و سرای فراز و نشیب.

این بیت اقتباسی است از آیه ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (آل عمران / ۱۸۵). ترجمه: «و زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست».

درج مفردات و ترکیباتی از یک آیه

المَرءُ أَفْتُهُ هَوَى الدُّنْيَا والمرءُ يَطغى كَلِّمَا استغنى

(همان: ۱۷۰)

- آفت انسان عشق به دنیا است و انسان هرگاه که بی‌نیاز شود سرکش می‌گردد
در مصرع دوم ترکیب «یطغى كَلِّمَا استغنى» یادآور آیات ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ﴾ (العلق / ۶-۷) است. ترجمه: «حقاً که انسان سرکشی می‌کند، هرگاه که خود را بی‌نیاز ببیند».

أَفٌ لِلدُّنْيَا فليست هي بدار إنما الرَّاحَةُ فِي دارِ القَرَارِ

(همان: ۱۵۷)

- اف بر دنیا باد که سرای فانی است و قطعاً راحتی و آسایش در سرای آخرت است.

این بیت با اندکی تغییرات و حذف برخی از کلمات، تداعی‌گر این آیه است:

﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِيَ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ (الغافر / ۳۹)

«ای قوم من، این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت آن آخرت است که سرای پایدار است».

۲. اقتباس غیرمستقیم

اقتباس‌های قرآنی غیر مستقیم / بوالعناهیة، شامل درج مفهوم یک آیه در اشعارش و تلمیح به داستان‌های قرآنی می‌شود.

درج مفهوم یک آیه

فی سعة الخافقين مضطربٌ وفي بلادٍ مِن اختيها بدل

(همان: ۱۲۸)

- در وسعت و پهناوری مشرق و مغرب، جای رفت و آمد است و هر شهری را میان شهرها همانندی است.
- در این بیت مفهوم آیه ﴿أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً﴾ (الزمر / ۱۰) گنجانده شده است. ترجمه: «زمین خداوند وسیع و گسترده است».

لیت شعری فإینی لست أری ای یوم یکون آخر عمری
وبأی بلاد تقبض روحی وبأی البلاد یحفر قبری

(همان: ۷۴)

- ای کاش می‌دانستم - که همانا من نمی‌دانم - که پایان عمر من چه روزی است و در کدام کشور روحم گرفته می‌شود و در کدام کشور قبرم کنده می‌شود.
- این بیت شاعر مفهوم آیه زیر را تداعی می‌کند:

﴿وماتدری نفس ماذاتکسب غداً و ماتدری نفس بأی أرض تموت﴾ (لقمان / ۳۴)

«کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و کسی نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد»

تلمیح به داستان‌های قرآنی

لَتَنالَنَّ مِنْ قُرُونٍ أَرها مثلَ ما نِلنَّ مِنْ ثمودٍ و عادٍ

(ابوالعتاهیه، ۱۴۰۶: ۱۳۱)

- مرگ را می‌بینی که در گذار سده‌ها اقوامی مانند ثمود و عاد را دریافته است.
- در این بیت به آیه‌های ﴿فَأَمَّا ثَمُودُ فَاهْلَكُوا بِالطَّاغِيَةِ﴾ و ﴿وَأَمَّا عَادُ فَاهْلَكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ﴾ (الحاقة / ۵-۶) اشاره شده است. ترجمه: «اما قوم ثمود به آن بانگ سهمگین هلاک شدند. و اما قوم عاد با وزش باد صرصر به هلاکت رسیدند».

أین داوودُ أینَ أینَ سلیمَا نُ المنیعُ الاعراضِ والأجنادِ
راکبُ الریحِ قاهرُ الجنِّ والإِنِّ سِ بسُلطانِهِ مُذِلُّ الأعدایِ

(همان: ۱۳۱)

- داوود کجاست و سلیمان نیرومند با آن لشکریان و سربازان کجاست که سوار باد بود و با قدرتش بر جنیان و آدمیان فرمان می‌راند و دشمنان را زبون می‌ساخت؟

در این ابیات به مفاهیم آیات ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا﴾ (النمل / ۱۵) و ﴿وَسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ... وَمِنَ الْجِبِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ يُدْخِلُ فِيهِ مِمَّا يُرِيدُ...﴾ (سبأ / ۱۲) اشاره شده است. ترجمه: «و ما به داوود و سلیمان علم دادیم. و باد را مسخر سلیمان کردیم، بامدادان یکماهه راه می‌رفت و شبانگاه یکماهه راه، و گروهی از دیوها به فرمان پروردگارش برایش کار می‌کردند».

أَيْنَ نُمُورِدُ وَابْنُهُ وَأَيْنَ قَارُو
نُ وَهَامَانُ أَيْنَ ذُو الْأَوْتَادِ

(همان: ۱۳۱)

- کجاست نمروود و پسرش و کجاست قارون و هامان و فرعون بر میخ‌کشنده؟
در این بیت مفهوم داستانی آیه ﴿وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمُ الْمَوْسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا بِالْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ﴾ (العنكبوت / ۳۹) گنجانده شده است. ترجمه: «و نیز قارون و فرعون و هامان را که موسی با دلیل‌های روشن خود نزد آن‌ها آمد، آن‌ها در زمین سرکشی می‌کردند، ولی نتوانستند از خدا بگریزند».

نتیجه بحث

حافظ و *ابوالعتاهیه* هر دو با زبردستی و مهارتی تمام، واژگان و آیات قرآنی را در سیاق ابیات و اشعار خویش به کار گرفته‌اند و ارتباطی دو سوبه میان قرآن و شعر خود به وجود آورده‌اند. این حلّ و درج‌ها و اقتباس‌های قرآنی، افزون بر ایجاد موسیقی‌ای گوشنواز در اشعار این دو شاعر، ژرفای بیان مفاهیم و اندیشه‌های آنان را نیز دو چندان کرده است و هر دو با استفاده از شیوه‌های گوناگون اخذ و اقتباس از قرآن، به نحوی مطلوب به کعبه مقصود رسیده‌اند. هر دو شاعر، برای اشاعه پیام‌های اخلاقی و مضامین تعلیمی‌شان، از کلمات و معانی ذکر حکیم بهره‌مند گشته‌اند و آثاری را خلق کرده‌اند که دست تطاول زمانه نیز هرگز آن‌ها را از رونق و جذابیت و محبوبیت نخواهد انداخت. اقتباس‌های قرآنی *حافظ* در مقایسه با *ابوالعتاهیه*، فراگیرتر و شاعرانه‌تر است. از میان انواع اقتباس‌هایی که برای شعر *حافظ* مشخص شد، برساختن و درج مضامینی مشابه تعبیرات قرآنی را در شعر *ابوالعتاهیه* نمی‌توان مشاهده کرد. این نکته ریشه در تفاوت‌های هنری و شاعرانگی دیگرگون این دو شاعر دارد؛ *حافظ* در بسیاری از

اقتباس‌های خود، اکسیر کلام خداوند را بر مضامین عاشقانه، سیاسی و اجتماعی سروده‌های خود زده و خاک را شأنی افلاکی داده است. ابداع مضامینی مشابه تعبیرات قرآنی، فرهنگ زبانی و اندیشگانی *حافظ* را ژرفا بخشیده و اشعارش را چندصدایی کرده، حال آنکه اقتباس‌های قرآنی اشعار *ابوالعتاهیه*، تک‌بعدی، اخلاقی و بیش‌تر زاهدانه است و هنرانگی صدای به یادگار مانده *حافظ* در گوش دل‌ها و جان‌ها را ندارد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد. ۱۹۶۵م، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار صادر.
- أبوالعتاهیه، اسماعیل بن القاسم. ۱۴۰۶ق، **دیوان**، بیروت: دار بیروت للطباعة والنشر.
- أبوالعتاهیه، اسماعیل بن القاسم. ۱۴۱۷ق، **دیوان**، گردآورنده: مجید طراد. بیروت: دار الکتب العرب.
- استعلامی، محمد. ۱۳۸۷ش، **حافظ به گفته حافظ: یک شناخت منطقی**، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- الباقوری، احمد حسن. ۱۳۸۲ش، **اثر القرآن فی اللغة العربیة**، مترجم: مهدی خرمی، سبزوار: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری انتظار.
- بهار، محمدتقی ملک الشعراء(مصحح). ۱۳۸۱ش، **تاریخ سیستان**، تهران: انتشارات معین.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد. ۱۳۱۹ش، **دیوان حافظ**، به کوشش محمد معین، تهران: شرکت طبع کتاب.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد. ۱۳۷۷ش، **دیوان حافظ**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد. ۱۳۸۱ش، **دیوان حافظ**، بر اساس نسخه قزوینی و خانلری با مقابله نسخه‌ها و شرح‌های معتبر، به کوشش حسینعلی یوسفی، تهران: نشر روزگار.
- راستگو، سید محمد. ۱۳۷۶ش، **تأثیر قرآن و حدیث در شعر فارسی**، تهران: انتشارات سمت.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۱ش، **از کوچه رندان**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زیدان، جرجی. ۱۹۸۳م، **تاریخ آداب اللغة العربیة**، بیروت: منشورات دار مكتبة الحياة.
- صوفی، لیلا. ۱۳۸۱ش، **زندگینامه شاعران ایران**، تهران: انتشارات جاجرمی.
- علیان، أحمد محمد. ۱۹۹۷م، **أبوالعتاهیه حیاته وأغراضه الشعریة**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- الفاخوری، حنا. ۱۳۶۸ش، **تاریخ الأدب العربی**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات توس.
- فروخ، عمر. ۲۰۰۶م، **تاریخ الأدب العربی**، بیروت: دار العلم للملایین.
- کاظمی، محسن. ۱۳۸۶ش، **تأثیر قرآن و حدیث در شعر فارسی**، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی علوم حدیث.
- مجتبایی، فتح‌الله. ۱۳۸۶ش، **شرح شکن زلف بر حواشی دیوان حافظ**، تهران: سخن.
- مختاری، قاسم. ۱۳۸۴ش، **میراث ماندگار ادب شیعی**، اراک: انتشارات دانشگاه اراک.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین. ۱۹۳۷م، **مُرُوجُ الذَّهَبِ وَمَعَادِنُ الْجَوَاهِرِ**، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دار الفکر.

مقالات

شاملی، نصرالله و همکاران. ۱۳۹۲ش، «چگونگی حضور آیات قرآنی در اشعار عربی سعدی شیرازی»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۲۰، صص ۲۴۳-۲۸۱.

The Holy Quran.

Abul-Atahiya, Ismail ibin-e Qasim (1997), *Divan*, Compiler Majid Trad. Beirut: Dar-ol Kitab-el Arab.

Abul-Atahiya, Ismail ibn-e Qasim (1986), *Divan*, Beirut: Dar-o Beirut let- Taba'a van-Nashr.

Albaquri, Ahmed Hasan. (1997). **The Effects of Qur'an in Arabic Literature**, Mehdi KHorrani (trans.). Sabzevar: The Art and Culture Institute of Avay-e Entezar.

Al-Fakhoury, Hanna. (2007), **The History of Arabic Literature**, Abdol-Mohammad-e Ayati (trans.). Tehran: Tus Press.

Alian, Ahmad Mohammad. (1997), **Abu-I-'Atahiya: His Life and His Poetic Purposes**. Beirut: Dar-ol Kotob-el Elmiyyah.

Bahar, MohammadTaqi Malek-osh Sho'ra (amend.). (2002), **The History of Sistan**, Tehran: Mo'in Publishers.

Este'lami, Mohammad. (2008), **Hfiz according to Hafiz: One Logic Cognition**, Tehran: Negah Institute Press.

Farrukh, Omar. (2006), **The History of Arabic Literature**, Beirut: Dar-ol Elm-el Mollayin.

Hafiz, Khaje Shams-od Din Mohammad. (1940). **Divan of Hfiz**, to try Mohammed Mo'in. Tehran: SHERkat-e Tab'-e Ketab.

Hafiz, Khaje SHams-od Din Mohammad. (1998). **Divan of Hfiz**, to try KHalil Khatib Rahbar. Tehran: Safi Ali Shah Press.

Hafiz, Khaje SHams-od Din Mohammad. (2002). **Divan of Hfiz**, based on Qazvini and Khanlari amendments and comparing with other valid Manuscripts and Explanations, To try Hosain Ali Yusofi. Tehran: Ruzgar Press.

Ibn-o Athir, Izz-od Din Ali Ibn-o Mohammad. (1965), **al-Kamil fet-Tarikh**, Beirut: Dar-os Sader.

Kazemi, Mohsen. (2007), **The Effect of Qur'an and Hadith in Persian Literature**, Management Center of Qom Seminary, Special Center of Hadith Science.

Masoudi, Abol-Hasan Ali ibn-ol Hosain. (1937), *Moruj-oz Zahab va Ma'aden-ol Javaher*, research by Mohammad Mohy-od Din Abd-ol Hamid. Beirut: Dar-ol Fekr.

Mojtabayi, Fath-ollalh (2007), **The Explanation of Hair-breaker on the Notes of Hfiz's Divan**, Tehran: Sokhan Press.

Mokhtari, GHasem. (2005), **The Enduring Legacy of Shi'ite Literature**, Arak: Arak University Press.

Rast-Gu, S. Mohammad. (1997), **The Effect of Qur'an and Hadith in Persian Poetry**, Tehran: Samt Press.

Shameli, Nasrollah, et al., (2013), "The Presence of the Verses of Holy Qur'an in Arabic Poems of Saadi Shirazi", Quarterly Specialty of Persian Poetry and Prose stylistics, the Sixth Year, the Second Number, successive 20, pp. 243- 281.

Sufi, Leila. (2002), **The Biography of Iran Poets**. Tehran: Jajarmi publishers.

Zarrinkub, Abdol-Hosain (1992), **Az Kuche-ye Rendan**, Tehran: Amir Kabir Publishers.
Zaydan, Jurji. (1983), **The History of Arabic Literature**, Beirut: Manshurat-o Dar-e
Maktab-el Hayat.